

جلوه‌های معلمي استاد مطهری (ره)



عبد الرحيم موکهي

سر آهنگ

هر استادی در تدریس خویش، دست کم باید از دو ویژگی مهم برخوردار باشد:

۱. ویژگی علمی؛

۲. ویژگی اخلاقی.

ویژگیهای «علمی» و «اخلاقی» هر استادی لازم و ملزوم یکدیگرند و هر یک بدون دیگری کاری عقیم و راهی سترّون است و البته برخورداري توأمان از این دو ویژگی نیز بس دشوار است:

به هوس راست نیاید به تمنا نشود

کاندرین راه بسی خون جگر باید خورد

بدین منظور، بر آن شدیم تا «روش تدریس شهید مطهری رحمته الله علیه را به نظاره نشینیم و در این زمینه، نکته‌هایی را گردآوری کنیم و از ویژگیهای «علمی» و «اخلاقی» آن استاد شهید در هنگام تدریسهایشان مُستفیض و مست فیض شویم. امید است که به خواست خدای سبحان و عنایات امام زمان علیه السلام و توجهات کوثر قرآن علیه السلام، این نکته‌ها مقبولتان افتد و در تدریس و کلاسداری به کارتان آید.

شایان توجه است که تمامی این نکته‌ها از کتاب «جلوه‌های معلمی استاد مطهری» برگرفته شده‌اند، اما گزینش، دسته

استاد مطهری رحمته الله علیه فرمودند: با بودن مطهری در درس، می دانستم چیزی هدر نمی رود. و اگر تعبیر بدی نباشد من به حالت رقص در می آمدم. در همان جلسه هم این حالت شادی و شغف زیاد در مرحوم علامه دیده می شد.^۱

احاطه علمی

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته الله علیه می گوید: ویژگی دیگری که به عقیده بنده از همه مهم تر است این بود که ایشان به موضوع بحث تسلط علمی داشتند، یعنی مطلب را خود فهمیده بودند.^۲

پختگی علمی

یکی از دوستان شهید مطهری رحمته الله علیه می گوید: استاد کم حرف می زد ولی پخته حرف می زد.^۳

کم گوی و گزیده گوی چون در

تا زانک تو جهان شود پُر
و یکی از شاگردان استاد
مطهری رحمته الله علیه می گوید: از نظر علمی باید
بگسوم استاد مطهری قبل از آنکه

بندی، عنوان گذاری و انتخاب اشعار متناسب با برخی از این نکته ها، از سوی نگارنده این نکته هاست که پیشاپیش، از نگارنده آن کتاب تشکر و قدردانی می کند و دست به دعا بر می دارد و به خدای خویش عرضه می دارد:

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن

مصلحی تو ای تو سلطان سخن

الف. ویژگیهای علمی و روشی

هنر تشریح مطالب

یکی از استادان حوزه علمیه قم می گوید: در یکی از جلسات درس علامه طباطبایی رحمته الله علیه پس از اینکه روی آیه ای از قرآن بحث شده بود، سؤالی مطرح شد که خود مرحوم علامه به آن سؤال جواب فرمودند. بعد از اینکه حدود پنج دقیقه مرحوم علامه مطلب را تقریر و تبیین فرمودند، استاد مطهری رحمته الله علیه همراه با تواضع حدود ربع ساعت با بیان جدیدتری همان مطلب را تشریح کردند. آن قدر جالب صحبت می کردند که همه سراپا گوش بودند. خود مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه شدیداً به حالت وجد و شوق در آمده بودند. این بود که علامه پس از شهادت

۱. جلوه های معلّی استاد مطهری، ص ۷۲.

۲. همان، ص ۹۹.

۳. همان، ص ۸۸.

مطهری سعی می‌کردند مطالعه را قطع نکنند. اگر درسی را می‌خواستند مطرح کنند به کتاب جدیدی که برخورد می‌کردند مطالعه می‌کردند. ایشان به مجلات مختلف رجوع می‌کردند، مخصوصاً به اندیشه‌های معاصرین بسیار توجه داشتند و همین خصوصیت، درس ایشان را نوسازی ساخت.^۵

هر که ز آموختن ندارد ننگ

دُرِ بر آرد ز آب و لعل از سنگ

آنکه دانش نباشدش روزی

ننگ دارد زدانش آموزی

(نظامی)

جهت دار بودن

درس و بحث ایشان غالباً و در

اکثر قریب به اتفاق موارد، یک بحث

جهت دار بود، یعنی شاگرد می‌فهمید

که این بحث به چه درد می‌خورد.^۶

تاریخچه بحث

ایشان قبل از ورود در اصل درس

مسئله‌ای را برای شاگرد مطرح کند، اول برای خودش پخته کرده بود، یعنی هرگز مسئله‌ای طرح نمی‌شد که برای خود ایشان کاملاً روشن نشده باشد. به همین دلیل هیچ‌گاه در برابر هیچ پرسشی، ایشان دچار لکنت زبان نمی‌شد.^۱

جذب با مطلب

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته‌الله

می‌گوید: یکی از مهم‌ترین تفاوت‌هایی

که میان استاد مطهری و بعضی دیگر

بود، این بود که استاد با «مطلب» جذب

می‌کرد و دیگران با بیان. البته بیان مهم

است، اما اگر فقط بیان باشد زود

می‌گذرد.^۲

درس استاد به گونه‌ای بود که

شاگرد وقتی پای درسش می‌نشست،

تمامی وجود استاد را می‌پذیرفت.^۳

پیش مطالعه

ایشان پیش از حضور در کلاس مقید

بود که به سبک همه اساتید حوزه در حدی

که فرصت اجازه می‌داد، از پیش، مطالعه

کند و مطالب را در ذهن خود مرتب سازد.^۴

نو بودن مطالب

درس ایشان همیشه نو بود. استاد

۱. همان، ص ۵۴.

۲. همان، ص ۵۶.

۳. همان، ص ۵۴.

۴. همان، ص ۱۱۲.

۵. همان، ص ۹۷-۹۸.

۶. همان، ص ۹۸.

یک مقدمه تاریخی بیان می‌کردند. با احاطه‌ای که به اقوال گذشتگان داشتند، سیر تحول یک مفهوم را بیان می‌کردند و ریشه و سابقه مطلب را توضیح می‌دادند تا شاگرد تصور نکند که این بحث مانند قارچی از زمین بدون سابقه سبز شده و بلکه بفهمد که در طول روزگار، این بحث چه سرنوشت و سرگذشتی داشته و از این طریق بتواند جای بحث را در تفکر امروزی مشخص کند.^۱

توضیح مقدمات

استاد در آغاز درس، مقدمات را به خوبی توضیح می‌داد و مشخص می‌کرد که مطلب بر چه مقدماتی مبتنی است، و این خصوصیت باعث می‌شد که هنگام تدریس، اشتباهاتی در ذهن شنونده پیش نیاید... استاد مطهری می‌کوشیدند چیزهایی را که موجب درهم آمیختگی فکری و اشتباه در مطلب می‌شود، نخست توضیح دهند، تا هنگام درس، استدلال به درستی جایگیر شود.^۲

طرز فکر صحیح

از مهم‌ترین خصوصیات ایشان،

حساسیت فوق العاده نسبت به ارائه صحیح اندیشه اسلامی به جامعه بود.^۳ تا نیک ندانی که سخن عین صواب است باید که به گفتن دهن از هم نگاهی

دور نشدن از بحث

مرحوم مطهری رحمته الله علیه در تدریس نیز همچون سایر جنبه‌های زندگی‌اش بسیار منظم و مقید به برنامه بود، در طول کلاس حتی المقدور از مطلب اصلی دور نمی‌شد، و اگر احیاناً مطلبی را بر سبیل استطراد بر زبان می‌آورد، آن را به گونه‌ای انتخاب می‌کرد که با موضوع مورد بحث قرابت داشته باشد و در هر حال رشته اصلی بحث را رها نمی‌کرد و از ابتدا تا به انتها آن را به خوبی دنبال می‌کرد.^۴

تنظیم درس

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته الله علیه می‌گوید: ایشان در تنظیم شکل درس بسیار متبحر بودند که من کمتر کسی را

۱. همان، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۶۸.

۳. همان، ص ۱۷۲.

۴. همان، ص ۱۱۲.

مانند ایشان دیدم.^۱

سخن را سراسر است ای خردمند و بن

می‌آور سخن در میان سخن

شناخت حد و مرز درس

ایشان در تدریس از موضوع خارج نمی‌شدند، از خط بحث بیرون نمی‌رفتند و حد و مرز موضوعات و مسائل را خوب می‌شناختند. یک مطلب را می‌گرفتند و همان را در یک خط مستقیم دنبال می‌کردند.^۲

مدیریت علمی

ایشان بر معلومات خودشان مدیریت داشتند. این طور نبود که حافظه، مزاحم کار ایشان شود و مطلب غیر لازم وارد بحث شود. درس ایشان جُنک مانند و کَشکول مانند نبود.^۳

پاسخ به سوالات

استاد اهل بحث بود. در کلاس درس از اشکال و سؤال شاگرد استقبال می‌کرد. هیچ وقت نمی‌شد که بخواهد با هیمنه و غلبه استاد بر شاگرد، جلوی سؤال و اشکال را گرفته یا آن را متوقف کند، بلکه به عکس پا به پای شاگرد یا صاحب اشکال جلو می‌رفت. گاهی می‌شد که در یک جلسه درس حدود $\frac{1}{3}$

یا بیشتر از وقت به رفع اشکال و گفتن پاسخ می‌گذشت.^۴

استاد در مواقعی که می‌دید سؤال کننده هدفش از اشکال به غیر از جنبه‌های علمی و به دست آوردن مطلب است، و یا خیلی پرت سخن می‌گوید، و یا در مواردی اشکال خیلی خارج از بحث است و اشکال کننده هم دست بردار نیست، در این موارد ابتدا با لحن آرام و عباراتی همچون «حالا ببینیم» و سپس با لحن محکم‌تری چون «این مربوط نیست» و «نخیر آقا» و... بحث را به دست می‌گرفتند، ولی روحیه کلی ایشان استقبال از سؤال بود.^۵

ژرف نگری

مرحوم مطهری علاوه بر وسعت معلومات، سخت موشکاف و نکته سنج و تحلیل‌گر بود. آنچه را بسیاری از همگان به

۱. همان، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۹۷.

۳. همان، ص ۹۷.

۴. همان، ص ۱۶۹.

۵. همان، ص ۱۶۹.

خصوص در درس فلسفه تصویر گردد، و این سبب بهره دهی بیشتر و بهتر درس ایشان می‌شد.^۳

بیان مسائل کاربردی و نو

آن مرحوم مقید بود به اینکه ارتباط مسائل و مباحثی را که تدریس می‌کرد با مسائل مستحدثه در زمان روشن سازد، و به اصطلاح کاربرد مطلبی را که می‌آموزد به خوبی مشخص نماید. همین امر سبب شده بود تا درسهای او سرزندگی و جذابیت خاصی پیدا کند و از صورت درسهای خشک و بحثهای مجرد بیرون آید.^۴

ایشان همیشه با مسائل تازه تماس داشت. و شاگرد وقتی از کلاس ایشان بیرون می‌آمد، برای خودش تعدادی از مسائل نوگیر می‌آورد که بتواند پیگیری کند.^۵

بیانهای گوناگون

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته

۱. همان، ص ۱۱۵.

۲. همان، ص ۱۱۲.

۳. همان، ص ۱۷۶.

۴. همان، ص ۱۱۳.

۵. همان، ص ۱۰۰.

سادگی از سر آن می‌گذشتند و نکته‌ای در آن نمی‌یافتند، استاد با دقتی حیرت‌انگیز مورد کنکاش قرار می‌داد و تناقضات درونی و نقاط ضعف آن را آشکار می‌ساخت.^۱

سخندان پرورده، پیرکهن

بیندیشد آنگه بگوید سخن

مزن بسی تأمل به گفتار دم

نکوگوی اگر دیرگویی چه غم

بسیندیش و آنگه برآور نفس

وز آن پیش بس کن که گویند بس

به نطق آدمی بهتر است از دواب

دواب از تو به، گر نگوئی صواب

تدریس دلنشین

مرحوم مطهری علاوه بر عمق و وسعت معلومات، بیان گرم و دلنشینی نیز داشت و خود این امر بیش از پیش سبب گرمی محضر ایشان می‌شد.^۲

مرور مطالب قبلی

ایشان مقید بودند در آغاز درس، مطالب عمده و اصلی بحث را که قبلاً مطرح شده بود یادآوری کنند. این خود باعث می‌شد که ارتباط مطلب با گذشته حفظ شود و به علاوه چارچوب روشنی از همه بحث به

می‌گوید: ایشان سعی می‌کردند خیلی آسان و بی‌تکلف بهترین طرح و توجیه را در مطالب - که بسیاری از آنها جنبه ابتکاری داشت - بیان دارند. از این رو گاه بیانی را که خود در یک موضوع عنوان کرده بودند نمی‌پسندیدند و از نو بیان دیگری را ارائه می‌دادند. از جمله به خاطر دارم که در درس عقاید (ایدئولوژی اسلامی) یک بار صریحاً گفتند: آنچه را در جلسه گذشته بیان کردم رها کنید، و مطلب را به گونه‌ای که اکنون می‌گویم به خاطر بسپارید.^۱

بیان ساده

شهید مطهری این خصوصیت را داشت که مطالب سنگین و بالایا را می‌توانست به حدی تنزل دهد که به اندازه فهم شنونده باشد.^۲ یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته‌الله می‌گوید: استاد مطهری در تفهیم مطالب استاد بودند، بسیار ورزیده بودند و می‌توانستند یک مطلب پیچیده را به صورت ساده بیان کنند. یکی از خصوصیات ایشان توانایی شان به ساده نویسی و ساده گویی بود.^۳

عشق و عقیده

از خصوصیات استاد در هنگام درس، عشق و علاقه ایشان بود به آنچه می‌اندیشید. ایشان از مطالب پیچیده فلسفی با همان شور و شوق و حرارتی صحبت می‌کردند که در مجالس و سخنرانیهای عمومی راجع به موضوعات و شخصیت‌های والای مذهبی سخن می‌گفتند. این روحیه به علت این بود که استاد در زندگی اصولاً جز برای حقیقت کاری نمی‌کردند. درسی که می‌دادند از روی واقعیت و اعتقاد به آن موضوعات بود.^۴

علاقه به تدریس

علاقه ایشان به تعلیم و تدریس بسیار زیاد بود. بعد از پیروزی انقلاب و با وجود مسئولیت در شورای انقلاب باز هم به قم می‌آمدند و مباحث علمی را ادامه می‌دادند.^۵

تدریس با تمام وجود

استاد بسیار با حرارت و جدی

۱. همان، ص ۱۷۷.

۲. همان، ص ۱۸۱.

۳. همان، ص ۹۷.

۴. همان، ۱۶۹.

۵. همان، ص ۶۰.

فلسفی و دینی آن تعقیب می‌کرد. به شاگردش خط می‌داد، به طوری که شاگرد می‌فهمید هر جا می‌خواهد استدلال کند، باید در استدلالش این زنجیره را رعایت کند.^۲

چون و چرا بیار که بر جاهل

گیتی چو حلقه تنگ از اینجا شد

استفاده از قالبهای متنوع

معمولاً در کلاسهای عمومی تر، ایشان از امثله و حکایات و اشعار و داستانهای شیرین برای رفع خستگی احتمالی مستمعین بیشتر سود می‌جست.^۳

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته الله علیه می‌گوید: استاد در تفهیم مطلب از مثال زیاد استفاده می‌کردند و مثالهای بسیار مناسبی هم انتخاب می‌کردند.^۴

ب. ویژگیهای اخلاقی

با وضو بودن

استاد، خود همواره با وضو در کلاس حضور می‌یافت و حضورش

درس می‌دادند. ایشان در هنگام تدریس با تمام وجود خودشان صحبت می‌کردند و بسیار بلند درس می‌دادند، گویی که در نقل اقوال دیگران و جرح و تعدیل آنها حریف را مانند کشتی‌گیری در مقابل خودشان می‌بینند و با تمام نیرو دارند با او می‌جنگند و کشتی می‌گیرند. این بود که یک ساعت درس ایشان به اندازه چند ساعت درس معمولی نیرو می‌برد. نتیجه این جدیت و صرف نیرو این بود که شاگرد به هیچ وجه مجلس درس ایشان را کسل کننده و یکنواخت نمی‌دید.^۱

شور و شوق آمد سخن را تار و پود

هر که شورش بیش، او خوشتر سرود

آتشکی در دیگدان می‌بایدش

تا ز روزن دود بیرون آیدش

محقق و نقاد بار آوردن

شهید مطهری ذهن شاگرد را نقاد بار می‌آورد؛ یعنی وقتی برای مطالبی استدلال می‌کرد، استدلال را در کوچه بن بست رها نمی‌کرد، به این معنی که یک دلیل و برهان عرضه کند و بعد هیچ، بلکه سلسله استدلال را تا مبانی

۱. همان، ص ۹۷.

۲. همان، ص ۵۶.

۳. همان، ص ۱۱۲.

۴. همان، ص ۹۷.

آن چنان روحانیتی به مجلس می‌بخشید که مستمع با تمام وجود، معنویت و قداست آن را در می‌یافت و به نسبت آمادگی‌اش در جذب‌های الهی آن مستغرق می‌گردید.^۱

قرآنی بودن

یکی از دوستان شهید مطهری رحمته‌الله می‌گوید: شهید مطهری قبل از هر چیز شاگرد قرآن کریم بود... روح او روح قرآن بود.^۲

متعبد بودن

ایشان بسیار متعبد بود که نظر قرآن و روایات را اصل بدانند... هیچ وقت حاضر نمی‌شد در نوشته، درس و یا سخنرانی خود، کوچک‌ترین تجاوزی از احکام شرعی؛ یعنی همان احکام که فلسفه آنها روشن نیست داشته باشد.^۳

ما را نبود نظر به خوبی و بدی

مقصود رضای او و خشنودی اوست

تقوا داشتن

از یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته‌الله سؤال کردند: فکر می‌کنید استاد بر اثر چه کارهایی به این حد از وارستگی و اخلاق رسیدند که نمونه

شدند؟ شاگرد در پاسخ گفت: تقوا، تقوا و تحقیق براساس انجام وظیفه.^۴

احترام به استاد

ایشان در ضمن درس به استادان خودشان بسیار احترام می‌گذاشتند. به نام علامه طباطبایی رحمته‌الله که می‌رسیدند، از ایشان با «روحی له الفداء»^۵ یاد می‌کردند.^۶

فروتنی

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته‌الله می‌گوید: ما به منزل ایشان که می‌رفتیم مثل اینکه با ما رفیق بود. البته گاهی لطف می‌کردند و به منزل ما می‌آمدند، ولی اصلاً این مسائل مطرح نبود. یعنی ایشان خود بزرگ بینی نداشت و این اخلاق انسانی خیلی تأثیر داشت و از خصایص فوق العاده ایشان محسوب می‌شد.^۷

توجه به شاگرد

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته‌الله

۱. همان، ص ۱۱۴.

۲. همان، ص ۸۵ و ۹۰.

۳. همان، ص ۶۰ و ۶۵.

۴. همان، ص ۵۷.

۵. جان من فدای او باد.

۶. همان، ص ۹۸.

۷. همان، ص ۵۵.

رابطه معنوی با شاگردان

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته الله علیه می‌گوید: سلوک ایشان به نحوی بود که در دل شاگردانشان نسبت به ایشان محبت ایجاد می‌شد. ما در همان وقت که در درس ایشان حاضر می‌شدیم، در درسهای استادان دیگر دانشگاه هم شرکت می‌کردیم و به خوبی محسوس بود رابطه‌ای که شاگردان استاد مطهری رحمته الله علیه با ایشان دارند با رابطه‌ای که دانشجویان دانشگاه با استادان خود دارند، متفاوت است. چه این رابطه رسمی و اداری نبود، بلکه توأم با عشق و شوق بود.^۵

درس معلم ار بود زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

شکوفاسازی استعداد شاگرد

ایشان اگر استعدادی از

شاگردانشان می‌دیدند، خوشحال

می‌شدند، به او کمک می‌کردند که

می‌گوید: ایشان گاهی لطف می‌کردند به تنهایی و گاهی همراه با خانواده‌شان به منزل ما تشریف می‌آوردند.^۱

و یکی دیگر از شاگردان ایشان می‌گوید: ایشان برخورداران بسیار متین و توأم با مهربانی بود. اصولاً استاد مطهری فردی بودند که از هر حیث مؤدب به ادب علمی بودند و برای فضای درس و بحث، همچنین شاگردانشان احترام خاصی قائل می‌شدند.^۲

چشم بگشا و بین جمله کلام الله را

آیه آیه همگی معنی قرآن ادب است

استاد مطهری رحمته الله علیه هرگز نسبت به

شاگردش نظر تحقیرآمیز نداشت.

یعنی حرف شاگرد را می‌شنید و به این

وسیله به شاگردش اجازه عقده‌گشایی

می‌داد.^۳

یکی از دوستان استاد مطهری رحمته الله علیه

می‌گوید: برخوردار ایشان با شاگردانشان

مانند برخوردار دو رفیق بود. خیلی با

محبت بودند و با حرارت و شور

برخورد می‌کردند.^۴

در خرمن کائنات کردیم نگاه

یک دانه محبت است و باقی همه گاه

۱. همان، ص ۹۴.

۲. همان، ص ۹۴.

۳. همان، ص ۵۵.

۴. همان، ص ۷۱.

۵. همان، ص ۹۴.

استعداد وی پرورش پیدا بکند، مثل یک پرنده که بال زدن را یاد جوجه‌های خود می‌دهد. ایشان شاگردان خوش استعداد خودشان را تشویق و تشجیع می‌کردند و مثل برزگری که بذر افشانی می‌کند برای آینده، ایشان در ذهن شاگردان خودشان بذر افشانی می‌کردند و با صرف وقت برای آینده سرمایه‌گذاری می‌کردند.^۱

تشویق کردن

استاد، شاگرد خوش قریحه را مورد تشویق قرار می‌داد و به انحاء مختلف او را به کار اضافی و انجام تحقیقات و مطالعات بیشتر توصیه می‌کرد.^۲

رابطه صمیمی با شاگرد

مرحوم مطهری با شاگردانشان به اندازه‌ای مهربان بودند که حتی اجازه می‌دادند آنها مسائل خصوصی و شخصی‌شان را با ایشان مطرح کنند. در انتخاب راه و مسیر آینده با ایشان مشورت کنند، حتی ایشان به اندازه‌ای نزدیک می‌شدند که در مجالسی مانند عروسی شاگردانشان - در صورت دعوت - شرکت می‌کردند.^۳

خوشرو بودن

ایشان بسیار خوشرو بودند، با شاگردان روابط پدرانانه داشتند و در واقع وقتی ارتباط شاگردی با ایشان ادامه پیدا می‌کرد، به نوعی دوستی مبدل می‌شد.^۴

به دست آوردن دنیا هنر نیست

یکی را اگر توانی دل به دست آر

بی‌پیرایگی

عشق و صفای ایشان، بی‌پیرایگی و بی‌تکلفی ایشان، برای همه شاگردان ایشان درس بود.^۵

سادگی

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته‌الله می‌گوید: به یاد دارم که در درس فلسفه (متن شفای بوعلی) که در آغاز در مدرسه مروی برگزار می‌گردید، گاه در یک حجره و گاه در حجره دیگر، هر جا که ممکن بود تدریس می‌کردند و یک بار که صاحبان این حجره‌ها غایب

۱. همان، ص ۹۴-۹۵.

۲. همان، ص ۱۱۲.

۳. همان، ص ۹۴.

۴. همان، ص ۹۴.

۵. همان، ص ۱۰۱.

تحقیق از آنها استفاده نکنند. به یاد دارم که وقتی خدمتشان می‌گفتم که در مسائل مربوط به انسان علاقه به مطالعه دارم و طرحی را از این مبحث که در ذهن داشتم خدمتشان عرض کردم، ایشان مجموعه‌ای از رساله‌های خطی چاپ نشده علامه طباطبایی را که در اختیار داشتند، به بنده دادند تا استفاده کنم.^۴

مبارزه با انحرافات

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته‌الله می‌گوید: یک روز استاد فرمودند: من با اینها (گروه فرقان) مقابله می‌کنم، ممکن است مرا بکشند، اما من حرف خودم را می‌زنم؛ چون می‌دانم که اینها برای دین خطرناکند.^۵

اصلاح اشتباهات

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته‌الله می‌گوید: مرحوم استاد مطهری از آنجایی که خداوند هوش فوق

بودند و حجره‌ای برای تدریس باز نبود، ایشان به سادگی و بدون از دست دادن فرصت در ایوان کوچکی جلوی یکی از حجره‌های بسته به روی زمین نشستند و برای حاضرین درس را بیان داشتند و علاوه بر درس فلسفه، درس اخلاق نیز آموختند.^۱

مراد بودن

از نظر اخلاقی ایشان در حدی بود که حکم مراد را برای شاگردان خود داشت.^۲

الگو بودن

کلاسهای درس مرحوم مطهری صرفاً محل تعلیم و آموزش نبود، بلکه همراه آن و در برخی موارد بیش از آن، مکانی بود برای تزکیه و پالایش... رابطه مرحوم مطهری با شاگردان کلاس خود رابطه ساده معلم و متعلم نبود. استاد مرشدی بود که به ارشاد جمع می‌نشست و مرادی که مریدان به گرد شمع وجودش حلقه می‌زدند و از پرتو او بهره‌ها می‌گرفتند.^۳

بخل نورزیدن

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته‌الله می‌گوید: استاد یادداشتها و نوشته‌های خودشان را به شاگردان می‌دادند که در

۱. همان، ص ۱۷۷.

۲. همان، ص ۵۴.

۳. همان، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۴. همان، ص ۱۰۰.

۵. همان، ص ۱۸۱.

پیرامون عقاید انحرافی و یا لغزشهای ایدئولوژیکِ گروه‌های سیاسی حرّیت و آزادگی دیده می‌شود.^۳

توجه نکردن به تعداد شاگردان

ایشان هرگاه درسی را لازم می‌یافتند آن را می‌پذیرفتند، به کم و کیف افراد و چند و چون جلسهٔ درس مقید نبودند و هر جا که میسر می‌شد درس را برقرار می‌کردند و به تدریس و توضیح کامل مطلب می‌پرداختند، هرچند افراد شرکت‌کننده اندک بودند.^۴

انصاف داشتن

بارزترین خصیصهٔ ایشان داشتن روحیهٔ انصاف بود. این ویژگی سبب شده بود که اولاً استاد بر روی حرف مخالفین نظر خود - هر که می‌خواهد باشد و در هر مقامی که باشد - کاملاً بیندیشد؛ یعنی هیچ‌گاه با روحیهٔ استکباری و بزرگ‌منشانه با آراء و عقاید حتی مخالف‌ترین دشمنان خود

العاده‌ای به ایشان عطا کرده بود و از جنبهٔ علمی بسیار قوی بودند، کمتر می‌شد در هنگام درس اشتباه کنند، اما اگر اتفاق می‌افتاد که در نکته‌ای اشتباه کنند و فی‌المثل یکی از شاگردان اشتباه را یادآور می‌شد می‌پذیرفتند. هیچ‌گاه سراغ ندارم که ایشان پافشاری در اشتباه خود کنند و مطلب را به زور تحمیل نمایند. اصولاً ایشان در مقابل حق خاضع بودند و آنچه را حق می‌یافتند می‌پذیرفتند.^۱

به نزد من آن کس نکوخواه توست

که گوید فلان خوار در راه توست

هر آن کس که عیبش نگویند پیش

هنر داند از جاهلی، عیب خویش

آزادگی

یکی از دوستان شهید مطهری رحمته‌الله می‌گوید: آنچه در تمام برخوردهای با شهید مطهری کاملاً محسوس بود، حرّیت و آزادی شهید مطهری بود، او دارای دلی بود آزاد و دارای مغزی بود آزاد و قهرماً دارای زبان و قلمی آزاد بود.^۲

داماد استاد مطهری رحمته‌الله نیز

می‌گوید: در اظهار نظرهای ایشان

۱. همان، ص ۶۷.

۲. همان، ص ۷۸.

۳. همان، ص ۱۰۷.

۴. همان، ص ۱۷۷.

راستگویی

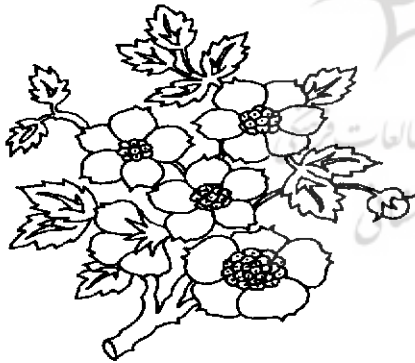
استاد شهید مطهری رحمته الله علیه در نامه‌ای به دخترشان می‌نویسند: تو خودت می‌دانی که دروغ هرگز به زبان و قلم من جاری نمی‌شود.^۵

عصبانی نشدن

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته الله علیه می‌گوید: در مدت دوازده سالی که خدمتشان شاگردی می‌کردم، یک دفعه هم ندیدم که در درس با عصبانیت جواب کسی را بدهند.^۶

درشتی نگیرد خردمند پیش

نه سستی که نازل کند قدر خویش



نیز برخورد نمی‌کردند، همیشه هر سخن و گفته‌ای را تا حد امکان تجزیه و تحلیل می‌کردند و شقوق درست و قابل قبول آن را از احتمالات نادرست جدا کرده، به حساب هر یک جداگانه رسیدگی می‌کردند.^۱

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمته الله علیه می‌گوید: یک روز بعد از اینکه ایشان مطلبی را بیان فرمودند من اشکال کردم، هر قدر ایشان بیان کردند و توضیح دادند برایم قابل قبول نبود. سرانجام قدری بی ادبی و گستاخی کردم و گفتم: انصاف بدهید! ایشان فرمودند: من انصافم از شما بیشتر است.^۲

مشورت با شاگرد

استاد با برخی از دوستان و شاگردان نزدیکش در باب آنچه فراهم آورده بود، مشورت می‌کرد و نظریاتشان را جویا می‌شد.^۳

میاسای زآموختن یک زمان

زدانش میفکن دل اندر گمان

رازداری

مرحوم مطهری بسیار رازدار و اهل سر بود. هیچ رازگشایی نمی‌کرد.^۴

۱. همان، ص ۱۶۷.

۲. همان، ص ۶۸.

۳. همان، ص ۱۲۰.

۴. همان، ص ۱۷۲.

۵. همان، ص ۴۱.

۶. همان، ص ۶۸.